

## آلمان فدرال: سیاست خارجی، سیاست خاورمیانه ای و سیاست در قبال ایران

تالیف بهزاد احمدی نفورکی

کتاب آلمان فدرال تالیف بهزاد احمدی نفورکی توسط انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران در 194 صفحه و شمارگان (تیراژ) 1000 نسخه و از قرار قیمت هر نسخه 13000 تومان در اسفندماه 1394 به چاپ اول رسیده است. این کتاب علاوه بر مقدمه شامل چهار فصل، نتیجه گیری و فهرست منابع و ماخذ می باشد که عناوین فصول آن به شرح ذیل می باشد:

فصل اول: مبانی نظری سیاست خارجی آلمان فدرال

فصل دوم: پایه های سیاست خارجی آلمان فدرال در هزاره سوم

فصل سوم: سیاست خارجی آلمان در قبال منطقه منا (شمال آفریقا و خاورمیانه)

فصل چهارم: سیاست خارجی آلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران

مؤلف در فصل اول کتاب ابتدا مبانی نظری سیاست خارجی آلمان بعد از جنگ دوم جهانی تا پایان جنگ سرد را بررسی می کند و تئوری های واقع گرایی کلاسیک و نوکارکرد گرایی را بررسی و به انطباق آن ها با سیاست خارجی آلمان می پردازد. در ادامه مبانی نظری سیاست خارجی آلمان بعد از جنگ سرد تا سال 2015 را مورد بررسی قرار می دهد. در این قسمت نویسنده به بررسی تئوری های نو واقع گرایی، واقع گرایی نوکلاسیک، نهادگرایی نولیبرال و سازه انگاری می پردازد و سیاست خارجی آلمان را مطابق این تئوری ها تبیین می کند. در ادامه و در فصل دوم مؤلف به بررسی پایه های سیاست خارجی آلمان فدرال در هزاره سوم پرداخته است. در ابتدای این فصل به "روابط آلمان و فراتلانتیک (محور ایالات متحده - ناتو)" می پردازد. در ادامه به "بحث آلمان و مسئولیت بیشتر" که پایه جدید سیاست خارجی آلمان پس از وحدت می باشد پرداخته است. همچنین "بحث همگرایی اروپایی (در ابعاد سیاسی و اقتصادی و آینده همگرایی) و محور برلین - پاریس" را به عنوان پایه (ستون) سوم سیاست خارجی آلمان مورد توجه قرار می دهد و در نهایت محور (پایه) چهارم سیاست خارجی آلمان یعنی "نگاه به شرق" مورد کنکاش قرار می گیرد که در آن مؤلف به بررسی روابط آلمان با چین و روسیه می پردازد.

نویسنده کتاب در فصل سوم به بررسی سیاست خارجی آلمان در قبال منطقه منا (شمال آفریقا و خاورمیانه) پرداخته است که در ابتدا سیاست آلمان در قبال این منطقه را در دوره جنگ سرد و تا پیش از اتحاد مجدد آلمان بررسی می کند. در ادامه سیاست آلمان فدرال را در قبال این منطقه در دوره پس از وحدت بررسی می کند. تعهد اخلاقی آلمان به رژیم صهیونیستی اسرائیل و روابطه دوجانبه آلمان با کشورهای ترکیه، عربستان و سوریه از مطالب مهمی است که در این فصل مورد توجه قرار می گیرد. در فصل چهارم مؤلف، سیاست خارجی آلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می دهد. در این فصل ابتدا تاریخچه روابط دو کشور در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به رویکردهای سیاست خارجی آلمان در قبال جمهوری اسلامی پرداخته است که شامل رویکرد تعامل انتقادی، تعامل سازنده، تعامل مشروط و رویکرد مهار به واسطه تعامل از سال 2006 به بعد می باشد. در ادامه فصل نویسنده به بررسی روابطه دوجانبه ایران و آلمان با تمرکز بر موضوعاتی مانند: رژیم صهیونیستی و فرایند صلح خاورمیانه، فعالیت های هسته ای ایران، مسائل حقوق بشری و دیدگاههای متعارض دو کشور درباره ثبات و امنیت منطقه منا پرداخته است و در آخر منافع مشترک دو کشور در زمینه های: ارتقای جایگاه سیاسی دو کشور در عرصه بین المللی، امنیت و ثبات منطقه ای، امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم بین المللی و

افراطی‌گرایی، فرصت‌های اقتصادی و بحث صفر هسته‌ای در جهان و منطقه‌عاری از تسلیحات هسته‌ای در منطقه‌نا را مورد توجه قرار می‌دهد و در پایان به نتیجه‌گیری مطالب کتاب می‌پردازد.

مؤلف در قسمت پیشگفتار کتاب، ادبیات موجود در ایران درباره سیاست خارجی آلمان را اغلب دارای ماهیتی توصیفی و یا تجویزی می‌داند و معتقد است که اغلب کتابهای منتشره در این زمینه جنبه تاریخی داشته و به خصوص به روابط ایران و آلمان از زمان ایجاد این کشور تا پایان جنگ دوم جهانی اختصاص یافته است. حتی در چند کتاب غیر تاریخی مرتبط با موضوع نیز بیشتر به توصیف تحولات از زمان پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته شده و در نهایت با نگاهی هنجاری فرصت‌ها و چالش‌ها تبیین گردیده است. نویسنده در ادامه، ضعف عمده ادبیات منتشره مذکور را عدم بررسی نظام‌مند سیاست خارجی آلمان از یک سو و عدم تبیین تحول در این سیاست از سوی دیگر می‌داند. از نظر وی حتی در مقالات منتشره نیز در کمتر مقاله‌ای به تحول در سیاست خارجی آلمان اشاره شده است و اصولاً به صورت تحلیل بیان شده است. لذا وی نوآوری کتاب حاضر را در این می‌داند که در آن تلاش شده است تا علاوه بر رفع ضعف‌های مذکور، تحلیلی تجربی اما مبتنی بر نظریه سیاست خارجی آلمان بعد از اتحاد مجدد تا به امروز ارائه شود و با بررسی مصداق‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده توسط این کشور، تغییر یا تداوم در سیاست خارجی آلمان تبیین گردد.

نویسنده در قسمت نتیجه‌گیری کتاب نیز درک سیاست کنونی آلمان در قبال ایران را بدون درک تحول در سیاست خارجی این کشور و به تبع آن تغییر در سیاست برلین در منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه را ممکن نمی‌داند. با این حال از نظر نویسنده سیاست آلمان در قبال منطقه‌نا بعد از اتحاد همچنان تداوم سیاست دوران جنگ سرد در کنار یک تغییر اساسی یعنی احیاء عنصر سوم سیاست ثانویه سنتی آلمان در قبال منطقه یعنی ایفای "نقش میانجی‌گر" و بروز ویژگی‌های ژئوپلیتیکی است. از دیدگاه مؤلف روند تحولات پیچیده و گسترده خاورمیانه به گونه‌ای بوده است که آلمان را وادار ساخته است فعالیت و بروزهای ژئوپلیتیکی بیشتری را هرچند با احتیاط در منطقه داشته باشد. لذا دیده می‌شود که این کشور در کنار راهکارهای چند جانبه، بر نقش منفرد خود در حل بحران‌های منطقه از جمله: سوریه، یمن و مبارزه با داعش افزوده و از مباحث سیاسی فراتر رفته است. لذا نویسنده نتیجه می‌گیرد که مجموعه این تحولات بدین معنا است که سطح برخورد بین ایران و آلمان افزایش یافته است و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر مهم ژئوپلیتیکی در منطقه از مخاطبان اصلی سیاست خارجی جدید آلمان می‌باشد و در سطوح و موضوعات مختلف آن از بحث هسته‌ای گرفته تا نظم امنیتی منطقه و از برخورد با چالش‌هایی چون افراطی‌گری فرقه‌ای و قومی گرفته تا امنیت انرژی، تعاملی مستقیم با آلمان خواهد داشت. همچنین مؤلف در پایان با توجه به فضای رسانه‌ای اغلب منفی علیه ایران در آلمان پیشنهاد می‌دهد که بخش روابط عمومی سفارت ایران در آلمان تقویت شود و بهبود و افزایش ارتباط با رسانه‌ها، اطلاع‌رسانی به موقع در باره تحولات و بحث و بررسی مسائل مطرح نزد افکار عمومی آلمان در دستور کار قرار گیرد. از نظر وی استفاده از کادر حرفه‌ای، تقویت روابط مردم با مردم و نترسیدن از برقراری ارتباط با افکار عمومی در راستای کاستن از فشار لابی رژیم صهیونیستی بر رسانه‌ها و قانون‌گذاران آلمانی، از پیش شرط‌های یک دیپلماسی فرهنگی موثر خواهد بود.

آنچه به اختصار در مورد کتاب "آلمان فدرال" و نظر به شناختی که نگارنده این مطلب از سوابق کاری مؤلف کتاب دارد، می‌توان گفت با توجه به کمبود بسیار چشمگیر منابع تخصصی فارسی در خصوص سیاست خارجی آلمان این کتاب به خوبی توانسته است یک نگاه اجمالی و مناسب به محققین علاقمند به مسائل حوزه سیاست خارجی آلمان بدهد. همچنین تسلط مؤلف به زبان آلمانی و استفاده از منابع آلمانی (در کنار دیگر منابع فارسی و انگلیسی) در تنظیم مطالب کتاب و تجربه خوبی که وی قبلاً بواسطه تالیفات مربوط به مسائل آلمان بدست آورده و در تالیف این اثر از آنها بهره گرفته است از دیگر ویژگی‌های مثبت این کتاب می‌باشد. علاوه بر این، استفاده از چارچوب‌های تئوریک مطرح در حوزه روابط بین‌الملل و انطباق آنها با سیاست خارجی آلمان از دیگر نکات ارزشمندی می‌باشد که بر غنای علمی اثر افزوده است. همچنین اختصاص یک فصل

کتاب به سیاست خارجی آلمان در قبال جمهوری اسلامی ایران نیز نشان از اهتمام و توجه خاص مولف به کاربردی شدن هر چه بیشتر این اثر به منظور استفاده کارشناسان و محققین مسائل ایران و آلمان می باشد.

در پایان ضمن عرض تبریک به نویسنده محترم به خاطر زحمات ارزشمندی که کشیده اند، باید یاد آور شوم که " دیکته نانوشته غلط ندارد" و هر چند خودم را در جایگاهی نمی بینم که بتوانم این اثر خوب را نقد کنم ولی اشکالات شکلی جزئی از نظر چاپ و صحافی به نظرم رسید که انشاءالله در چاپ بعدی کتاب رفع گردد. لذا همانطور که خود مولف محترم صادقانه این اثر را خالی از اشکال ندانسته، بایستی این کتاب نیز در معرض نقد منصفانه و عالمانه و راهنمایی های ارزشمند اساتید و کارشناسان مسائل سیاست خارجی قرار گیرد تا بر انگیزه نویسنده محترم برای اصلاح و افزایش کیفیت اثر و غنای هر چه بیشتر مطالب حوزه مسائل آلمان بیافزاید.

تهیه و تدوین: جبار خدادوست عضو هیات تحریریه

مجله ایرانی روابط بین الملل